

کلاردشت ثروت مند!

از بولوف سرمایه گذاری تا تهی سازی سرمایه های محلی

(نقدی کلان نگر بر ناپایداری توسعه محلی در منطقه کلاردشت)

کوروش برارپور

پژوهشگر و صاحب نظر در حوزه ی توسعه ی پایدار و مدیریت بومی ایران

bararpoor@yahoo.com

این مقاله در روز دوشنبه (۱۴۰۲/۲/۸۶) در روزنامه اطلاعات چاپ شده است.

سراغاز

جاذبه های منحصر بفرد گردشگری طبیعی، آثار باستانی و پتانسیل های کشاورزی، مجموعه فرصت هایی هستند که زمینه های سرمایه گذاری داخلی و خارجی را در منطقه کلاردشت فراهم و آن را از دیگر مناطق کشورمان متمایز ساخته است. بررسی روند رخدادهای 16 سال گذشته در کلاردشت، حاکی از آنست که گویی به آینده ی آن هیچگونه توجهی نشده است. اگر جاذبه های طبیعی و تاریخی کلاردشت را مهم ترین مزیت رقابتی آن، در مقایسه با دیگر مناطق توریستی کشور و حتی دیگر نقاط دنیا! بدانیم، خواهیم دید که به دلایلی، برخی با نام سرمایه گذاری اما با اهداف سوداگرانه، به تهی سازی سرمایه های محلی مبادرت ورزیده اند. به عبارت ساده یا استعاره ای تر، در مازندران گردشگران و بهره برداران جنگل ها، مانند زنبورهای مهاجم به کندوی عسلی می مانند که بدون کمترین عرق و دلبستگی به طبیعت و نسل آینده به عنوان وارثان اصلی ثروت های طبیعی کشورمان، از تخریب و تهی سازی محیط زیست، هیچ گونه نگرانی و بیمی ندارند. در این نوشتار، پس از بیان چند تعریف در خصوص مفاهیم توسعه به صورت عام و توسعه ی پایدار به صورت خاص، و ارایه خلاصه ای از رخدادهای 16 ساله گذشته در کلاردشت، با روش هرمنوتیک انتقادی به تحلیل پیامدهای ناشی از سیاست گذاری هایی در کلان کشور می پردازد که دارای پیشینه علمی نبوده است.

1. تفاوت رشد اقتصادی با توسعه اقتصادی

رشد اقتصادی یک فاکتور کمی بوده و با شاخص‌هایی همچون؛ درآمد سرانه سنجیده می‌شود در حالیکه توسعه اقتصادی مفهومی کیفی بوده و با معیارهای زیربنایی‌تری همچون: نوآوری در فناوری و تعداد نیروی انسانی ماهر و کارآمد در یک جامعه، محک زده می‌شود. برخلاف اینکه رشد اقتصادی پیشیناز توسعه اقتصادیست اما در کشور ما اغلب، این دو مفهوم با یکدیگر اشتباه گرفته می‌شود! همچنین تاکید می‌شود که در فرآیند توسعه، نباید تنها به بعد اقتصادی آن توجه داشت.

2. پارادایم غالب در مدل‌های توسعه شهری ایران

علی‌رغم اینکه مفهوم "استراتژی توسعه شهری" حدود 2 دهه است که وارد ادبیات مدیریت شهری شده اما رویکرد غالب به توسعه در سیستم‌های مدیریت شهری در کشور ما به گونه‌ایست که تنها در حد هدایت و راهبری طرح‌های یا طرح‌های جامع شهری، تغییرات کاربری واحدها و گسترش سرمایه‌های فیزیکی (شامل: ساخت و ساز و خرید تجهیزات سنگین و گران‌قیمت) محدود مانده است. به عبارت دیگر پارادایم‌های غالب در فرایند توسعه شهری در ایران، طوری شکل گرفته است که بیشتر به بعد اقتصادی توسعه توجه دارد. این در حالیست که در دنیای امروز استراتژی‌های توسعه اقتصادی بدون در نظر داشتن ابعاد انسانی، اجتماعی و زیست محیطی آن، پیامدهای پویایی را ایجاد می‌کند که عوامل اصلی توسعه - یافتگی به جای آن که به عنوان پیش‌ران برای فرآیند توسعه عمل کنند، با تأخیرهای زمانی، در مقابل توسعه قرار می‌گیرند. در این حالت، این‌گونه توسعه‌ها، ناپایدار تلقی می‌شود. نکته اینکه؛ پارادایم‌های جدید توسعه، معیارهای اقتصادی را تنها، نماینده بخشی از نیازهای نسل بشر می‌داند. بدین ترتیب، مفهوم نوینی به نام "توسعه پایدار" وارد ادبیات مدیریت استراتژیک توسعه شده است.

3. توسعه پایدار

مفهوم توسعه پایدار به روش‌های گوناگون در قالب مفاهیم متنوعی همچون: تبیین چشم‌انداز و آرمان‌ها، تبادل ارزش‌ها، توسعه اخلاقی، بازسازماندهی اجتماعی، یا فرایند تحول به سمت آینده بهتر بارور شده است. ایده محوری توسعه پایدار، مؤثرتر از همه توسط کمیسیون جهانی توسعه و محیط زیست در سال 1987 تبیین گردید. مطابق با این تعریف، توسعه‌ای پایدار است که بتواند: "احتیاجات نسل حاضر را بدون فدا کردن توانایی نسل‌های آتی برای برآورده‌سازی نیازمندی‌هایشان تأمین کند". از آن زمان تا کنون این بیان موجز و پرمحتوا به طور فزاینده‌ای توسط دولت‌ها، نهادهای بین‌المللی، سازمان‌ها و شرکت‌های تجاری، مؤسسات علمی و دانشگاهی و گروه‌های غیردولتی (یا مردم‌نهاد) پذیرفته و تأیید شده است. بدین ترتیب امروزه ادبیات مدیریت راهبردی توسعه با گذر از توجه صرف به سرمایه‌های فیزیکی به طور فزاینده‌ای توجه خود را به مدیریت انواع سرمایه‌های تأثیرگذار در فرایند توسعه همچون؛ سرمایه‌های طبیعی (شامل: منابع زایش‌پذیر زیستی در کنار منابع معدنی زایش‌ناپذیر نظیر مواد معدنی، سوخت‌های فسیلی، آب‌های زیرزمینی)، سرمایه‌های انسانی (شامل: دانش، مهارت، سلامتی، تغذیه و انگیزه انسان‌ها)، و سرمایه‌های اجتماعی (شامل: انسجام اجتماعی، اعتماد متقابل، مشارکت‌پذیری و تشریک مساعی، برابری فرصت‌ها، ایمنی، امنیت، آزادی تشکل‌های صنفی و نظم) معطوف کرده است.

4. توسعه محلی در کلاردشت

یافته‌های این مطالعه حاکی از آن است که دلیل نا کارآمدی ابزار و ارکان توسعه محلی و منطقه‌ای در کلاردشت، طی 16 سال گذشته، عوامل اصلی توسعه یافتگی در جهت تخریب محیط زیست آن عمل کرده است و نه توسعه پایدار. اگرچه سیر فزاینده تخریب‌های یادشده منجر به افزایش نسبی نرخ رشد اقتصادی و یا به عبارت دیگر افزایش نسبی سرمایه‌های فیزیکی در این منطقه شده اما، کاهش سرمایه‌های انسانی، اجتماعی و طبیعی را در پی داشته است.

5. تاریخچه‌ای کوتاه از سرمایه‌گذاری و تهی‌سازی سرمایه‌های محلی در کلاردشت

اگرچه پروژه توسعه کلاردشت در زمان‌های قبل از انقلاب نیز مطرح بود اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی و براساس توصیه یکی از دلسوزان کشورمان به سرمایه‌داران داخلی در اردیبهشت 1370، مبنی بر انتقال سرمایه خود به منطقه کلاردشت به منظور توسعه جاذبه‌های گردشگری آن، خیل عظیمی از سرمایه‌های آنها به کلاردشت گسیل شد. این در حالی بود که پیش از آن، هیچ‌گونه مطالعه امکان‌سنجی‌ای در خصوص توریستی

شدن کلاردشت صورت نگرفته بود! البته صاحبان سرمایه، نه با هدف سرمایه‌گذاری در صنعت گردشگری بلکه با نگاه اعیان نشینی به جاذبه‌های گردشگری منطقه و با اهداف سوداگرایانه به خرید و فروش زمین‌های مردم کلاردشت که (همچون مردم دیگر نقاط ایران) به تازگی پیامدهای اقتصادی - اجتماعی دوران انقلاب، جنگ و پس از جنگ را پشت سر گذاشته بودند و در ابتدای دوره گذار قرار داشتند، مبادرت کردند. پیامد ناشی از خرید و فروش زمین‌های کشاورزی مردم، تنها در کاهش سرمایه‌های انسانی در آن منطقه خلاصه نمی‌شد بلکه جذابیت ناشی از بالا رفتن قیمت زمین‌های منطقه، دینامیکی را ایجاد می‌کرد تا به واسطه آن، مردم برای رسیدن به سهم بیشتری از منافع کوتاه مدت اقتصادی، اقدام به تخریب جنگل‌ها و منابع طبیعی کنند و یا جهت رسیدن به سود اقتصادی بیشتر، گهگاهی به فروش چندباره زمین‌های خود مبادرت ورزند! و همین امر زمینه‌ساز کاهش شاخص‌های سرمایه اجتماعی، همچون: اعتماد متقابل، آرامش، امنیت و تشخیص فرهنگی در منطقه گردید. البته جذابیت گران شدن زمین‌های کلاردشت تنها بین مردم بومی و تازه واردین به منطقه خلاصه نمی‌شد، بلکه در نیمه 1370، با مطرح شدن پروژه احداث آزاد راه تهران - شمال دینامیک‌های دیگری جهت کاهش سرمایه‌های طبیعی کلاردشت آشکار شد که به موجب آن 700 هکتار از بهترین جنگل‌های پهن‌برگ کلاردشت بابت پروژه یاد شده به دستگاه‌های ویژه و مجریان پروژه واگذار می‌شد.

همچنین در نیمه اول دهه 1380، دینامیک دیگری جهت تخریب جنگل‌های پهن‌برگ کلاردشت شکل گرفت که طرح خروج دام از مرتع نام داشت. به موجب این طرح، معادل مراتعی که مالکیت آنها در اختیار دامداران بومی منطقه بود، جنگل‌های مشرف به شهر کلاردشت به آنها واگذار و به طور خودگردان، منجر به تغییر کاربری زمین‌های یاد شده از وضعیت بکر یا کشاورزی به مسکونی می‌شد. این واقعیت تداعی‌کننده اصل انتقال فشار در تئوری سیستم‌ها (انتقال تخریب از جایی به جای دیگر) و یا قانون بقای تخریب - همسان با قانون بقای جرم در علم فیزیک است (بدین معنا که: تخریب نه از بین می‌رود و نه بوجود می‌آید، بلکه از جایی به جای دیگر منتقل می‌شود)!

پروژه‌های دیگری که منجر به زدایش یا تخریب سرمایه‌های طبیعی زایش‌پذیر (اکولوژیک یا تجدیدپذیر) و زایش ناپذیر (معدنی یا تجدیدنپذیر) منطقه کلاردشت شده، پروژه استخراج سنگ‌های تزئینی رودبارک و احداث سد و نیروگاه آبی سیاه بیشه است.

پروژه دیگری که زدایش سرمایه‌های طبیعی کلاردشت را تکمیل می‌کند پروژه واگذاری جنگل‌های حاشیه این شهر به کارمندان دولت است. بر اساس مستندات این طرح، مسئولین ذی‌ربط، با بوته زار تلقی کردن جنگل‌های مناطق طبرسو، لاهو و حسن‌کیف، حدود پنج هکتار از آنها را به کارمندان دولت واگذار نموده‌اند که اغلب این افراد نیز پس از دریافت مبالغ ناچیز، این منابع را به ثروتمندان منتقل کرده‌اند.

6. آیا توسعه‌ی محلی در کلاردشت پایدار است؟

مطالعات نشان می‌دهد که طی 20 سال گذشته به دلیل برداشت‌های غیرعلمی و عدم حفاظت و یا کاشت دوباره جنگل‌های کلاردشت، حدود 43 درصد از آنها نابود شده است این درحالیست که بر اساس اعلام سازمان جنگل‌ها، هر هکتار جنگل 2/5 تن اکسیژن تولید می‌کند! گفته می‌شود؛ اگر چه 700 هکتار از جنگل‌های کلاردشت بابت کارمزد پروژه آزاد راه تهران - شمال به پیمانکار طرح واگذار شده بود اما اخیراً تمامی مصوبه‌های قبلی مرتبط با این موضوع لغو شده است! یکی از مسئولین محلی نیز میزان تخریب‌های صورت گرفته توسط طرح خروج دام از جنگل که منجر به ریشه‌کن کردن درختان پهن‌برگ شده را حدود 40 هکتار اعلام می‌کند. مولف این نوشتار در مطالعه‌ای دیگر می‌افزاید: به‌زای هر تن کاغذ، مقوا و سایر مصارف صنعتی دیگر، 17 درخت از جنگل‌های کلاردشت قطع می‌شود.

اگرچه ارزش تجاری هرتخته سنگ گرانبه‌ای استخراج شده از منطقه رودبارک را (که به لحاظ مرغوبیت در نوع خود در جهان بی‌نظیر است) 100 میلیون تومان برآورد می‌شود اما خسارت‌های زیست محیطی ناشی از استخراج غیر علمی آن که بستر رودخانه سردآبرود را برای خیزش سیل و دیگر حوادث غیرمترقبه آماده ساخته، غیر قابل برآورد و جبران است. همچنین درآمد حاصل از استخراج این سنگ‌ها نه تنها منجر به افزایش سرمایه‌های انسانی در کلاردشت نشده بلکه کاهش سرمایه‌های اجتماعی و انقراض نسل برخی از گونه‌های نادر گیاهی و جانوری را در پی داشته است.

مطالعات تکمیلی حاکی از آنست که: در کلاردشت به طور متوسط روزانه 10 تن زباله تولید می‌شود، به طوری‌که اگر این حجم از زباله بازیافت نشود سالانه حدود 300 هزار دلار صرفه‌جویی ارزی به همراه خواهد داشت، این درحالیست که اگر خسارت‌های زیست محیطی ناشی از دفع ناقص زباله - ها را در جنگل‌های عباس‌آباد کلاردشت نادیده بگیریم، سالانه حدود 400 میلیون تومان، برای از بین بردن زباله در کلاردشت هزینه می‌شود. همچنین به دلیل فقدان سیستم بازیافت فاضلاب شهری در کلاردشت، آلودگی‌های ناشی از آن به آب‌های سطحی و زیرزمینی منتقل می‌شود. این مطالعه در یکی دیگر از یافته‌های خود به این نتیجه می‌رسد که درآمد سرانه منطقه توریستی کلاردشت به عنوان یکی از شاخص‌های رشد

اقتصادی آن، به فروش زمین توسط مردم وابسته است و نه صنعت گردشگری! مطالعات دیگر در خصوص ارزیابی شاخص‌های سرمایه انسانی حاکی از آنست که: حدود 85 درصد از جوانان تحصیل کرده ساکن در کلاردشت به طور مستقیم یا غیرمستقیم به شغل واسطه‌گری در حوزه خرید و فروش زمین اشتغال دارند. از هر 100 نفر فرهنگی منطقه کلاردشت تنها 2 نفر صاحب پست الکترونیکی بوده به طوری که این دو نفر به ندرت وارد صندوق پست الکترونیکی خود می‌شوند. مطالعه‌ای دیگر در همین زمینه، روی مدیران شهر کلاردشت به این نتیجه می‌رسد که: تعداد اندکی از آنها با دانش و مهارت‌های مدیریت نوین آشنا بوده و اکثراً به دلیل فقدان زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) در منطقه، مهارت‌های مرتبط با این پارادایم تقریباً نوظهور در کشور ما را فرا نگرفته‌اند. همچنین به دلیل فقدان دانشگاه معتبر و مراکز علمی - پژوهشی در کلاردشت و مهاجرت‌های علمی و شغلی قشر تحصیل کرده به سایر نقاط داخل یا خارج از کشور، عوامل اصلی توسعه‌یافتگی، در خدمت توسعه پایدار منطقه نبوده است.

بنابراین گسترش سرمایه‌های فیزیکی در کلاردشت که به صورت؛ ساخت و سازهای غیر مجاز، تخریب محیط‌زیست و رشد ایستای سرمایه‌های انسانی متجلی شده، با کاهش سرمایه‌های اجتماعی، انسانی و طبیعی همراه بوده است.

7. نقدی بر سیاست‌های توسعه‌ای کلان کشور

یکی از صاحب‌نظران نظریه سیستم‌ها می‌گوید: علت پیچیدگی یک سیستم، به دلیل پیچیده بودن اجزاء آن نیست بلکه پیچیدگی یک سیستم ریشه در پیچیدگی ارتباط بین اجزاء آن دارد. شاید از دیدگاه تئورسین‌های توسعه و مدیران کلان کشورمان، برنامه‌های توسعه اقتصادی طراحی شده از سوی آنها، در بر گیرنده تمامی جنبه‌های توسعه باشد، اما واقعیت اینست که به دلیل نادیده انگاشتن ارتباط منطقی بین ابعاد انسانی، اجتماعی و زیست محیطی توسعه با بعد اقتصادی آن، در طول زمان، دینامیک‌هایی را ایجاد کرده‌است که عوامل اصلی توسعه یافتگی همچون: نیروی انسانی - متخصص، علم، دانش، منش، روش، فناوری، نوآوری، سرمایه و ... را در مقابل توسعه قرار داده‌است. این واقعیت، تداعی کننده مفهوم مقاومت در برابر سیاست در نظریه سیستم‌ها نیز هست. اگر فرض شود گره‌های فرهنگی مهمترین عامل عدم اجرای درست برنامه‌ها در کشور ماست، اغلب برنامه‌های توسعه اقتصادی کشورمان پس از فاز پیاده‌سازی به گونه‌ای جلوه می‌کند که گویی، از پیشینه و پشتوانه علمی قوی، در فازهای برنامه‌ریزی و تدوین استراتژی، برخوردار نبوده‌است. معمولاً برنامه‌های توسعه‌ای کشور به صورت عام و با این پیش‌فرض که: "همه چیز درست عمل می‌کند!" طراحی، و قبل از اینکه به صورت آزمایشی در یک یا چند پایلوت اجرا شود به صورت فراگیر و گسترده به کلیه دستگاه‌ها ابلاغ می‌شود. که این امر نیز خود، زمینه‌های ناپایداری توسعه را در ابعاد خرد و کلان در کشور ایجاد می‌کند.

یکی دیگر از علت‌های ناکامی برنامه‌های توسعه‌ای کشور که ناپایداری توسعه را رقم می‌زند، تعبیرها، تعاریف و یا برداشت‌های ناصحیح از مفاهیم اساسی توسط مردم و مسئولین دست‌اندرکار توسعه است. به عنوان مثال اگر به تعاریف ارایه شده برای کلید واژه؛ "توریسم"، "گردشگری" یا "جهانگردی" توسط سازمان‌های معتبر جهانی مراجعه شود ملاحظه می‌شود که:

توریسم به معنی: "حرکت کوتاه مدت و موقت مردم است به قصد بیرون رفتن از محل یا مکانی که به‌طور عادی و دائم در آن زندگی و کار می‌کنند". اما در کشور ما به دلیل همسان انگاری مفهوم گردشگری طبیعی (اکوتوریسم) با مفهوم اعیان‌نشینی، این صنعت پرارزش، ضمن کاهش پایداری توسعه، سبب افزایش موانع و گلوگاه‌های توسعه محلی، در ابعاد مختلف (در کلاردشت و دیگر نقاط کشور) شده است.

برخی به عمد یا غیرعمد، کلاردشت را با عناوینی همچون: منطقه توریستی، کلان شهر و ... خطاب قرار می‌دهند! تذکر مولف مقاله از این بابت به این عزیزان وارد است که اگر قرار است کلاردشت از طریق اعیان‌نشینی، توریستی شود! پس نیاوران، فرمانیه، زعفرانیه و تجریش بهترین مناطق توریستی کشور و خاورمیانه به حساب می‌آیند! اگر برخی بر این تصورند که با کلان‌شهر خطاب قرار دادن کلاردشت به اهداف خودخواهانه خویش دست خواهند یافت، نه تنها چنین نخواهد شد بلکه تنها به انتقال معضلات ویژه و مشکلات عدیده‌ی کلان شهرهایی همچون؛ تهران به این منطقه زیبا به‌عنوان سرمایه ملی کشورمان کمک خواهند کرد،

8. سخنی با رییس جمهور محترم

گفته می‌شود که رییس جمهور محترم، طی اقدامی انقلابی، تمامی مصوبات قبلی در خصوص واگذاری جنگل‌های کلاردشت، غرب مازندران و البرز مرکزی، بابت پروژه‌های یادشده در این نوشتار را، ملغی اعلام نموده و تنها آن دسته از جنگل‌هایی که سند دریافت کرده‌اند باقی مانده، که آنها نیز در شرف باز پس‌گیری است. یقین داشته باشید اگر چنین باشد و مطابق اصول 45 و 50 قانون اساسی کشور، سیستمی قانونمند را طراحی نمایید که این سیستم ارزشی و قانونی، برای همیشه پایداری توسعه را در کشورمان رقم بزند، از حمایت مردمی برخوردار خواهید شد. مردم کشور ما از هوش، شان و شعور بسیار بالایی برخوردارند. در قضاوت هوشمندانه مردم شریف ما، هیچ‌گونه شک و تردیدی جایز نیست. اگر قرار است پروژه‌های ملی از طریق واگذاری منابع ملی به غیر، تامین مالی شود پس پول نفت به عنوان ثروت ملی کجا می‌رود؟ پیشنهاد می‌شود؛ اطلاعات مربوط به لغو مصوبات پیش‌گفته، در اختیار مردم قرار گیرد.

9. نقدی درون‌گفتمانی بر توسعه محلی در کلاردشت

بررسی‌های این مطالعه نشان می‌دهد؛ از زمان روی کار آمدن شوراها، سیر فزاینده تخریب محیط زیست در کلاردشت، شدت بیشتری، به خود گرفته است. ضعف سرمایه‌های انسانی و فقدان سرمایه‌های اجتماعی در نظام مدیریت شهری کلاردشت به همراه دیگر علل و عوامل که اغلب ریشه‌های فرهنگی در حد خرد و ریشه‌های تصمیم‌گیری در سطح کلان دارد، به ناپایداری توسعه در این منطقه دامن زده است.

بنابراین به استاندار محترم مازندران نیز پیشنهاد می‌شود؛ برای تقویت سرمایه‌های انسانی در این خطه از کشورمان، از دانشگاهیان و جهت توسعه سرمایه‌های اجتماعی و انتقال تصویر بزرگ سند چشم‌انداز توسعه استان و اهداف 20 ساله آینده کلاردشت که در بخش بعدی مقاله تبیین خواهد شد، از ائمه جمعه و جماعات، صداوسیما و دیگر رسانه‌های ارتباط جمعی کمک بگیرند.

جمع‌بندی و پیشنهادات

مدیران و تصمیم‌سازان کلان کشور بایستی عنایت داشته باشند که ابتدا در سنجش و ارزیابی قابلیت اطمینان مدل‌های توسعه‌ای و تصمیم‌گیری خود، حداکثر درایت و حساسیت را به خرج دهند و پس از تست آن در یک یا چند پایلوت مشخص، به نقاط ضعف و قوت آن اشراف پیدا کرده و در جهت رفع چالش‌ها و موانع موجود برای اجرایی شدن آن، تمهیدات لازم را در پیش گیرند.

مدیران و مسئولان محلی و استانی نیز باید عنایت داشته باشند که با ارایه مجوزهای غیرکارشناسی شده، منابع ملی و سرمایه‌های طبیعی، انسانی و اجتماعی را فدای طرح‌هایی نکنند که معمولاً با اصطلاحاتی همچون: حفظ محیط‌زیست، بهره برداری اقتصادی از طبیعت، سرمایه‌گذاری یا کارآفرینی خلط می‌شود. بنابراین اگر قرار است سرمایه‌گذاری در استان مازندران با تهی‌سازی همراه نباشد بایستی آینده‌ای روشن، هدف قرار داده شود.

بر این مبادی؛ بر اساس ارکان جهت‌ساز سند چشم‌انداز ملی و سند چشم‌انداز توسعه استان مازندران برای 20 ساله آینده و در افق 1404 ه.ش.

پیشنهاد می‌شود؛ جامعه کلاردشت برای 20 ساله آینده جامعه‌ای باشد با ویژگی‌های زیر:

1. جامعه‌ای پیشگام و پیشتاز در حفاظت از البرز به‌عنوان؛ سمبل ایستادگی، نماد پایداری و غرور ملی
2. جامعه بدون کاغذ - از طریق گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT)
3. جامعه با سواد و ماهر - از طریق گسترش سواد عصر دیجیتال و مهارت‌های قرن 21
4. جامعه‌ای امن، سالم و پاک - از طریق توسعه قابلیت‌های قضایی، انتظامی، بهداشتی و درمانی
5. جامعه مولد، پردرآمد و سبز - از طریق توسعه مزیت‌های کشاورزی بومی، صنعت گردشگری و صیانت از جنگل‌ها و محیط زیست
6. جامعه علمی و تحقیقاتی - از طریق ایجاد دانشگاهی در کلاس جهانی و همچنین گسترش مراکز علمی - پژوهشی، نوآوری فناوری، مراکز رشد و

پارک علمی و تحقیقاتی

شش هدف بنیادین فوق که 20 ساله آینده را نشانه رفته است، در ادبیات مدیریت استراتژیک به اهداف بمب (بزرگ، مهیج و بی باکانه) معروف است. همچنین 6 محور یادشده، در بر گیرنده هر 4 بعد از ابعاد کلی توسعه پایدار یعنی: بعد انسانی، اجتماعی، اقتصادی، طبیعی زایش‌پذیر و زایش -

ناپذیر نیز می‌باشد. رسیدن به اهداف بزرگ اما دست‌یافتنی بالا، محقق نخواهد شد مگر با عزمی ملی و حمایت همه‌جانبه مدیران ارشد استان مازندران و سیاستگذاران و دست‌اندرکاران کلان کشور! به امید آن‌روز.

یادآوری: استفاده از مطالب این نوشتار (در محافل علمی، اجرایی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی)؛ در صورتیکه عبارات آن نیز عیناً منتقل شود، با ذکر منبع و نام مولف، مانعی ندارد.